

داستان جوانانی مُوحِد (اصحاب کُهِف)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (کهف - آیات ۱۳ الی ۱۶)

ما خبر [عبرت آموز] شان را به حق و درستی برای تو بیان می کنیم: آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم.

(آنها یک قدم آمدند ما هم ده قدم استقبال کردیم)

نکته: وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (تفاوت غفور با رحیم)

وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنُ نَدْعُو مِن دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا
إِذَا شَطَطًا

(محبت خود را گره زدیم به قلب های آنها) و دل هایشان را [با یقین به حقایق،] محکم و
استوار ساختیم؛ آن گاه [که در برابر شرک و بت پرستی] به پا خاستند و گفتند: پروردگار
ما پروردگار آسمان ها و زمین است، **هرگز جز او معبودی را نمی پرستیم** که اگر بپرستیم
سخنی گزاف و دور از حق گفته ایم (از انسانیت دور افتاده ایم)

معبودهای دیگر: بت پرستی، دنیا پرستی، مال پرستی، شخصیت پرستی، هوس پرستی،
مقام پرستی، شهوت پرستی ...

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ آلِهَةٍ لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنَ يَدَيْهِمْ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

اینان قوم [نادان و بی منطق] ما هستند که به جای خدا معبودانی برگرفتند، چرا بر (درستی و) حقانیت معبودانشان دلیلی روشن نمی آورند؟ پس ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بندد [که خدا دارای شریک است] کیست؟

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا

و اکنون که از آنان و آنچه غیر خدا می پرستند، کناره گرفته اید، پس به این غار پناه گیرید
تا پروردگارتان از رحمتش بر شما بگستراند و در کارتان آسایش و آسانی فراهم آورد.

تو بندگی بکن که خدا خود بنده نواز است